



واکاوی کنش اطلاعاتی سازمان تروریستی داعش (۲۰۱۳-۲۰۱۸)

محمد مهربان^۱

چکیده

مطالعات تداوم بقاء سازمان‌های تروریستی و متغیرهای درگیر در آن، بُعد نوینی در مطالعات تروریسم به شمار می‌رود. در این میان نحوه فعالیت‌های اطلاعاتی این سازمان‌ها به عنوان نبض حیات‌شان، از اهمیت بسزایی در مطالعات مذکور برخوردار است. داعش به مثابه سازمان تروریستی، از ابتدای حیات خود واجد سازمان اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی خبره و قدرتمندی بود که تمامی زوایای فعالیت‌های این سازمان را تحت اشراف گسترده خود داشت. لکن این اشراف در ارتباط با فشارها، تحولات و مقتضیات بیرونی قرار داشت که شکل سازمانی و نحوه کنش آن را دستخوش دگرگونی قرار می‌داد. براین اساس پژوهش حاضر در برخورد با داعش به مثابه موجودیتی اجتماعی، درصدد پاسخ به چرایی و چگونگی کنش‌های اطلاعاتی داعش، با اتخاذ چارچوب نهادگرایی جامعه‌شناختی است. براین اساس یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کنش اطلاعاتی داعش در بازه زمانی ۲۰۱۳-۲۰۱۸ در ابتدا هم‌شکلی تقلیدی بوده و از ماهیت اطلاعاتی به پوششی ایدئولوژیک سیر کرده و در گام بعدی این کنش با اتخاذ رویکرد هم‌شکلی هنجاری در قلمرو تحت سیطره و مناطق همجوار آن شبکه‌ای بوده و در مناطق دور دست و خارج از کنترل و اشراف سازمان، به صورت خوشه‌ای بود. در پژوهش حاضر روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و روش تحلیل داده‌ها توصیفی-تحلیلی می‌باشد

کلیدواژه‌ها: داعش، تروریسم، سازمان‌های تروریستی، کنش اطلاعاتی، نهادگرایی

DOR: 00000000000000

2017mehraban@gmail.com

۱. نویسنده مسئول: دکتری تخصصی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

مقدمه

مطالعه دوام و بقا سازمان‌های تروریسم به عنوان یکی از ضروری‌ترین حوزه‌های تحقیقات علوم اجتماعی در سال‌های اخیر (Jung & Lee, 2015: 236) از حوزه‌های مطالعات تروریسم طی سالیان اخیر به شمار می‌آید. پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهند که تنها نیمی از گروه‌های تروریستی در اولین سال زندگی خود و تنها پنج درصد در دهه اول زندگی خود زنده مانده‌اند. (Mobley: 2008) در عین حالی که برخی گروه‌های تروریستی به این دلیل که رهبران کلیدی خود را از دست می‌دهند، یا برخی دیگر به سمت نهادهای سیاسی غیرخوشونت‌گرا می‌روند یا در انتقال اهداف خود به نسل بعدی تروریست‌ها شکست می‌خورند، به پایان عمر خود می‌رسند؛ لکن تقریباً همه گروه‌های تروریستی با یک تهدید اساسی تر و روزانه برای بقای خود روبرو هستند: کشف فعالیت‌ها، پرسنل و برنامه‌های آنها توسط مجری قانون و سازمان‌های اطلاعاتی دولتی. گروه‌هایی که نتوانند ارتباطات، تحرکات و طراحی‌های خود را از حریف پنهان کنند، به سرعت از بین خواهند رفت. گروه‌های تروریستی که سال‌ها زنده می‌مانند اغلب این کار را انجام می‌دهند؛ زیرا روش‌های پیچیده‌ای را برای پنهان ماندن ایجاد کرده‌اند. از چنین استراتژی‌هایی اغلب به‌عنوان ضد جاسوسی یاد می‌شود. اطلاعات و ضد جاسوسی اغلب نقشی حیاتی در چگونگی پایان دادن به گروه‌های تروریستی و نحوه سازگاری سازمان‌های مسلح مخفی با تهدیدات وجودی دارند. ادبیات اطلاعاتی و تروریسم بیش محدودی را در مورد ضد جاسوسی گروه‌های تروریستی ارائه می‌دهد. بخش بزرگی از ادبیات تروریسم بر انگیزه‌های گروه‌های تروریستی، تصمیم‌گیری و پاسخ‌های سیاست دولت تمرکز دارد. ادبیات اطلاعاتی عمدتاً شامل گزارش‌های دست اول متخصصان اطلاعاتی و ارزیابی‌های بزرگ جامعه اطلاعاتی است. در حال حاضر مطالعات بسیار کمی تلاش کرده‌اند تا به‌طور خاص جنبه عملیاتی اطلاعات و عملیات اطلاعاتی گروه‌های تروریستی را به دقت بررسی و نظریه پردازی کنند. (Mobley: 2008: 2)

بیان مسئله

سازمان‌های تروریستی به‌عنوان پدیده‌های چند بُعدی سیاسی، اجتماعی و امنیتی، در دهه‌های پس از فروپاشی نظام دوبروکی سیاست بین‌الملل، هم‌ردیف با موضوعات نوظهوری مانند محیط

زیست، فضای سایبر و... یکی از مهم‌ترین مشغله‌های پژوهشی و مطالعاتی می‌باشند. این سازمان‌ها از همه ابزارهای ممکن برای ارتقای توانمندی‌های خود استفاده می‌کنند و به همین دلیل به نقش اطلاعاتی و امنیتی اهمیت زیادی می‌دهند. انگیزه اطلاعاتی این سازمان‌ها در وهله اول به دلیل علاقه شدید آنها به امنیت خود، و در گام بعدی برای فعالیت‌شان در جمع‌آوری اطلاعات و تحقیق اخبار به عنوان مقدمه‌ای برای کاشت عوامل و جاسوسان و همچنین برای تشخیص تهدیدهای داخلی و خارجی قبل از وقوع، ضروری است. (عبدالعال، ۲۰۱۸) به عبارتی دیگر این سازمان‌ها در طول شکل‌گیری و فعالیت خود به طور همزمان هم واجد دغدغه اطلاعاتی و هم حفاظتی می‌باشند؛ از این رو تفکیک میان کنش‌های اطلاعاتی و حفاظتی یا امنیتی این نوع سازمان‌ها دشوار می‌نماید. این موضوع در بکارگیری همزمان و بجای یکدیگر اصطلاحات "جهاز الامن" و "جهاز الاستخبارات" در ادبیات داعش پیرامون فعالیت‌های خود و در بیان محققان این پدیده منعکس است که در پژوهش حاضر به صورت جهاز الامن / الاستخبارات بکار رفته است.

طی سالیان اخیر در میان ادبیات گسترده مرتبط با داعش، توجه به لایه‌های داخلی و مرکزی فعالیت سازمان‌های تروریستی بالاخص داعش، مورد غفلت قرار گرفته است. در این راستا آنچه که از برجسته‌گی عمده‌ای برخوردار می‌باشد، ضرورت تحلیل و بررسی نحوه کنش و فعالیت هسته اطلاعاتی یا همان جهاز الامن / الاستخبارات در سازمان مزبور به منظور حفظ بقاء و توسعه فعالیت‌های آن می‌باشد.

براین اساس پژوهش حاضر با تبیین این موضوع که سازمان داعش در ابتدا ماهیتی اطلاعاتی داشته و در گام بعدی رویه و پوششی ایدئولوژیک پیدا کرده است، به تحلیل نحوه فعالیت جهاز الامن / الاستخبارات داعش می‌پردازد و در این راستا با بهره‌گیری از ادبیات نونهادگرایی به‌عنوان سازه نظری، در پی پاسخ به این پرسش است که: سازمان داعش در ابتدا از چه ماهیتی برخوردار بوده و براین اساس فعالیت جهاز الامن / الاستخبارات سازمان مذکور چگونه قابل تحلیل می‌باشد؟

اهمیت و ضرورت

شناخت نحوه کنش سازمان‌های تروریستی به ویژه در ساحت‌های اطلاعاتی / ضد اطلاعاتی در فرایندهای طرح‌ریزی مقابله با این سازمان‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. بدیهی است عدم

و فقدان شناخت مذکور، حاوی پیامدهای بی ثبات ساز امنیتی و ناکارآمد سازی تلاش های ضد تروریسم خواهد بود.

سوال و فرضیه

سوال اصلی: کنش های اطلاعاتی داعش متاثر از چه متغیرهایی بوده و این کنش ها چگونه قابل تبیین است؟

فرضیه: کنش های اطلاعاتی داعش تابع فشارهای محیط نهادی بوده که منجر به پنهان سازی ماهیت اطلاعاتی و اتخاذ پوشش ایدئولوژیک به عنوان یک کنش هم شکلی تقلیدی شده است. و در ارتباط با قسمت دوم سوال، این کنش ها با منطق هم شکلی هنجاری، در محیط های واجد اشراف اطلاعاتی داعش به صورت ساخت شبکه ای و در مناطق دوردست و با اشراف اطلاعاتی کمتر، مبتنی بر ساخت خوشه ای می باشد.

روش تحقیق

ابزار گردآوری داده های پژوهش کتابخانه ای و مصاحبه با خبرگان مطلع بوده و روش تحلیل این داده ها، توصیفی - تحلیلی می باشد.

قلمرو زمانی

قلمرو زمانی پژوهش سال های ۲۰۱۳ - ۲۰۱۸ یعنی سال ظهور و سقوط سازمان مذکور می باشد.

چارچوب نظری

نظریه نهادگرایی جدید یکی از دیدگاه های برجسته در تحلیل های سازمانی است. (زارعی، ۱۳۹۲: ۱۶۶) این رهیافت نهادها را تولید کننده منافع، هویت ها و الگوهای مناسب کنش قلمداد می کند که خود در زمینه های گسترده تر اجتماعی - فرهنگی شکل گرفته اند. این زمینه های گسترده تر فشارهای شناختی، هنجاری و تنظیمی را که به طور اساسی رفتار سازمانی را شکل می دهند، تسهیل می کنند. (Lounsbury, 2008: 349) رویکرد نهادی، سازمان ها را ساختارهای اجتماعی می داند که واجد ماهیتی انطباق پذیر هستند. براین اساس سازمان ها از نظر سازوکارها و خروجی تعامل با محیط خارجی خود، متفاوت هستند. رویکرد نهادگرایی جدید مبتنی بر

ریشه‌های جامعه‌شناختی، نظریه خود را بر روی ظرفیت جذب فشارهای نهادی، هنجاری و تقلیدی با هدف کسب مشروعیت اجتماعی، منابع و بقاء بنا می‌کند. (مشبکی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵۱-۲)

چیستی نهاد

مفهوم نهاد به تعداد رهیافت‌های متعدد و مختلف در بستر نهادگرایی جدید واجد تعاریف متعدد است که علی‌رغم این تکرار، حول سه محور اصلی چگونگی طبقه‌بندی قواعد نهادی، چگونگی تاثیرگذاری این قواعد و نیز فضای باقی مانده برای انتخاب، شکل گرفته‌اند. (زارعی، ۱۳۹۲: ۱۶۷)

برخی اندیشمندان در بستر جامعه‌شناسی نهادگرا، نهاد را عرصه‌ای می‌دانند که در آن مذاکرات و مصالحه‌هایی پیرامون منافع و منازعاتی خاص شکل می‌گیرد. (Selznick, 1966: 233)

دسته‌ای دیگر نیز با معرفی نهادها به عنوان «الگوهای فراسازمانی» فعالیت و نظام‌های نمادین، کارکردها آنها را نخست ابزاری در دست انسان برای هدایت زندگی مادی خود در زمان و فضا می‌دانند و در قدم بعدی تلفیق‌کننده آن فعالیت‌ها با نظام معنایی خاص قلمداد می‌کنند. (Friedland & Alford, 1991: 242-43)

برخی دیگر از اندیشمندان این رهیافت با طرح ماهیت فرایندی بودن نهاد، مفهوم «نهادینه شدن» را برای درک بهتر آن جعل نموده‌اند. در این راستا زوکر نهادینه شدن را فرایندی می‌داند که طی آن نهادها خلق شده و انتقال می‌یابند. (Zucker, 1991: 104) «دی ماجیو» نیز نهادینه شدن را فرایندی سیاسی می‌داند که به واسطه تناقضات درونی در خود نهادها جریان یافته است. در فرایند مذکور تعاملی چهارگانه درمی‌گیرد: رقابت، منازعه، میانجی‌گری و گفت و گو. (DiMaggio & Powell, 1983: 12)

دی ماجیو و پاول علی‌رغم تلقی نهاد به عنوان هنجارها و قواعد، آنها را همچنان نظام‌های نمادین و زیرین این قواعد می‌دانند. بر این اساس نهاد عبارت است از رابطه‌ای اجتماعی که مسلم و بدیهی تلقی شده و نیز قابلیت پیش‌بینی شدن داشته باشد. (Powell and DiMaggio, 1991: 9) کارکرد این تعریف، تعیبه چارچوبی ادراکی در جهت تعیین چگونگی تفسیر داده‌ها و اطلاعات محیط توسط اعضای نهاد است. (Powell and DiMaggio, 1991: 11)

در اصطلاح مدیریت، نهاد در برابر سازمان (که ساختاری است با هدف افزایش بازدهی و کارایی) عبارت است از ساختاری انطباق‌پذیر با بعد ارزشی بسیار قوی که نه تنها به خاطر خدمات و کالاهایی که ارائه می‌کند دارای شخصیت ممتاز و ارزشمندی است؛ بلکه اعضای آن زندگی خود را متکی به آن دانسته، هرگونه تغییر در آن یا از میان رفتن آن (به عکس سازمان که صرفاً موجب از میان رفتن تعدادی از مشاغل می‌شود)، اثراتی بر روی اعضای نهاد و کل جامعه دارد. (ایراونی، ۱۳۸۰)

محیط نهادی

درباره مناسبات محیط و سازمان نظریه‌های مختلفی ارائه شده است. که از آن جمله می‌توان به نظریه بوم‌شناسی داف (Daf, 2001) و نظریه نهادی میتزبرگ (Mintzberg, 1998) اشاره نمود. نظریه بوم‌شناسی جمعیت بر این باور است که در فرایند رقابت، محیط بر مبنای بیشترین سازگاری، سازمان‌هایی را که الگوی ساختاری مناسبی داشته باشند را انتخاب و بقیه را از گردونه رقابت خارج می‌کند. (قلی پور، ۱۳۸۴) در مقابل نظریه بوم‌شناسی جمعیت، معتقد است که سازمان‌ها باهدف افزایش مشروعیت محیطی، ساختارهای معینی را انتخاب می‌کنند که در حوزه سازمانی خود به سمت الگوی مشترک حرکت می‌کنند. (DiMaggio & Powell: 1983, Meyer & Rowan: 1977) (قلی پور، ۱۳۸۴)

در ارتباط با اثر محیط بر نهاد، اندیشمندان طیف رویکرد فرایندی نهادگرا، بر نقش محوری عامل خارجی در خلق، حفظ و تغییر نهاد به دست گروه‌ها و سازمان‌ها تاکید دارند. چنان‌که زوکر بر عنصر تقلید از دیگر گروه‌ها و سازمان‌های مشابه یا ماهیت درون‌جوشی گروه‌ها و سازمان‌ها برای شکل‌دهی به نهاد تاکید دارد و عنصر قدرت یا اجبار دولت یا هر کانون دیگر (به‌عنوان متغیرهای داخلی) را در خلق و تداوم این نهادها نفی می‌کند. (Zucker, 1987: 446) ایده مذکور به این امر اشاره می‌کند که اعمال و ساختارهای سازمانی، هر یک اغلب واکنش‌هایی به قواعد، باورها و عُرف‌هایی هستند که در درون یک محیط وسیع‌تر ساخته شده‌اند. (Powell, 2007: 1)

در این راستا تقسیم‌بندی رویکردهای نهادگرا به محیط در دو شاخه درونی (Goodstein: 1994, Goodrick and Salancik: 1996) و بیرونی نیز مطرح نظر است. منطق مرکزی رویکرد درونی، ایستا‌انگاری محیط خارجی نهاد (Scott, 1991: 161-2) و پویایی

متغیرهای درونی آن است که موضعی متصلب به محیط را اتخاذ می‌کند. این رویکرد موضوع تفاوت و تغییر در کنش-واکنش سازمانی به محیط نهادی را با معیارهایی مانند هدف‌ها، ارزش‌ها، باورها، قدرت و منافع، ارزیابی می‌کند. (DiMaggio: 1986, DiMaggio & Powell: 1983) در مقابل رویکرد بیرونی، میل به شناخت متغیرهای بیرونی محیط نهادی دارد که می‌تواند به تفاوت و تمایز میان ساختارهای و فرایندهای سازمانی منجر گردد؛ لذا درک پویایی‌های بیرونی محیط نهادی که در نهایت منجر به فشار نهادی شده و واکنش نهاد را هدایت می‌کند، محوریت منطق این رویکرد را شکل می‌دهد. (Scott, 1991: 167)

فشار نهادی - کنش نهادی

نظریه نهادی در بخشی از تمرکز تبیینی خود، بر تاثیر و تاثر سازمان از/ بر محیط خود پرداخته و از آن باعنوان فشارهای نهادی یاد می‌کند. در این ارتباط سازمان متأثر از فشارهای نهادی در بزنگاه انتخاب میان دو گزینه قرار می‌گیرد: نخست راهبرد تطبیق یا همسازی است که طی آن سازمان می‌تواند به بقای خود در بلند مدت استمرار بخشد یا راهبرد عدم تطبیق و همسازی است که به حذف سازمان از محیط منجر خواهد شد. (Daf, 2001. Hatch & Cunliffe, 1997. Scott, 2001) براین اساس سازمان‌ها به فشارهای نهادی، سه گونه واکنش متفاوت از خود بروز می‌دهند:

- هم‌شکلی اجباری که ناشی از فشار اجباری از طرف نهاد های رسمی و دولتی؛
- هم‌شکلی تقلیدی که عمدتاً در مواقع بحران بروز می‌کند. در این گونه موارد سازمان در آستانه بحران درصدد تقلید از سازمان‌های موفق برمی‌آید؛
- هم‌شکلی هنجاری که در آن سازمان در تلاش برای تطبیق و هم‌شکل سازی خود با هنجارها و الگوی‌های حرفه‌ای حوزه سازمانی خود برمی‌آیند. (DiMaggio & Powell: 1983)

پیشینه پژوهش

جونگ و لی (Jung & Lee: 2015)، در پژوهشی پیرامون ارزیابی سازمانی گروه‌های تروریستی به شباهت‌ها و تفاوت‌های گروه‌های تروریستی و گروه‌های جنایتکار متعارف پرداخته و آنها را در چهار مدل برمی‌شمارند: مدل همکاری، اتحاد، خودسازی و تعارض.

پیتر اولسون و تونی کاسرون (Oleson & Cothron, 2016) نیز به موضوع مدیریت در سازمان‌های اطلاعاتی بطور کلی پرداخته و با تمرکز بر دو نقش رهبر و مدیر به بررسی نقاط اشتراک و افتراق این دو نقش در سازمان‌های اطلاعاتی پرداخته‌اند. مارکو سپیک و گوستاو مولر (Cepik & Möller: 2017) نیز در پژوهشی تطبیقی میان الگوهای ساختار اطلاعاتی در میان کشورهای عضو بریکز، بر مقایسه نحوه توزیع قدرت در «درون» هر نظام ملی متمرکز شده‌اند. بروس رایدل در پژوهشی مرتبط با عنصر اطلاعات در سازمان‌های تروریستی، به تحلیل تجربیات گروه‌های اسلام‌گرا در کاربست عنصر اطلاعات در فرایندهای مبارزاتی‌شان پرداخته و بر دو پرونده لشکر طیبه در سال ۲۰۰۸ و عملیات اطلاعاتی القاعده در خوست افغانستان در سال ۲۰۰۹ متمرکز شده است. (Riedel, 2011: 26)

موبلی در تلاش برای ایجاد چارچوبی منحصر به فرد برای پیش‌بینی رفتار، تصمیم‌گیری و استراتژی گروه‌های تروریستی، بررسی می‌کند که چگونه سه متغیر ساختار سازمانی، پشتیبانی مردمی و قلمرو کنترل شده بر قابلیت‌های ضد جاسوسی یک گروه تروریستی تأثیر می‌گذارد. (Mobley: 2008: 4) «اسپکارد و احمد اس. یایلا» نیز در پژوهشی درباره داعش با چهل و دو فراری داعش از سوریه، اروپای غربی، آسیای مرکزی و بالکان، با فراریان داعش مصاحبه کرده‌اند. (Speckhard & Yayla, 2017)

وجه تمایز مقاله حاضر با پژوهش‌های پیش‌گفته نخست در اتخاذ رویکرد نهادگرایانه اجتماعی به سازمان اطلاعاتی داعش به‌عنوان موجودیتی اجتماعی در ارتباط با تحولات محیط نهادی و فشارهای نهادی، با هدف کشف منطق کنش نهادی داعش یا همان چرایی کنش مذکور است و در وهله دوم بدنبال کشف چگونگی بروز و ظهور کنش نهادی این سازمان می‌باشد.

معرفی جهاز الامن/الاستخبارات در داعش

روایت کلی و مورد پذیرش عام آن است که داعش، جانشین واقعی القاعده است؛ اما در واقع حاجی البکر (سمیر عبدالمحمد الخلیفاوی) یعنی سابق عراق به‌عنوان منشا مفهوم دولت اسلامی شناخته می‌شود. (Wege, 2018: 271) دولت امنیتی پیشنهادی البکر از دیدگاه خلافت سلفی برای ایجاد یک دولت پلیسی‌خشن، تاسیس شد. البکر ظاهراً مفهوم دولت اسلامی را از «دولت

استاسی^۱ آلمان شرقی^۲ الگوبرداری کرده که در یک سند ۳۰ صفحه‌ای بیان شده بود. (Reuter, 2015) از دست نوشته‌های بکر واضح است که داعش فقط یک سازمان تروریستی نیست؛ بلکه توسط کارگزاران اطلاعاتی دولت بعث سابق با هدف ایجاد یک دولت جدید ایجاد شد. (Speckhard & Yayla, 2017) دستگاه اطلاعاتی که در ظاهر زیر نظر شورای امنیت و اطلاعات بود، توسط ابوبکر البغدادی، ابوعلی الانباری (کاظم رشید الجبوری) که در مارس ۲۰۱۶ کشته شد و سمیر الخلیفاوی تأسیس شد. (Orton, 2016)

«اسپیکارد و احمد اس. یایلا» بر اساس مصاحبه با جداشدگان از داعش، نشان می‌دهند که حسبه یا همان پلیس شرعی به وضوح در رتبه پایین تری نسبت به دستگاه اطلاعاتی قرار داشت. (Speckhard & Yayla, 2017) در رابطه بین امنی و حسیه، اولی به وضوح از جایگاه بالاتری برخوردار است و دارای اختیار عملیاتی نسبت به حسبه است. (Speckhard & Yayla, 2016: 5)

شورای امنیتی داعش امور امنیتی سازمان را اداره می‌کرد و جزئیات امنیتی خلیفه، از جمله تأمین اقامتگاه‌ها، قرار ملاقات‌ها و حرکات وی را اداره می‌کرد. این شورا وظیفه حفاظت از خلیفه، پولشویی، اجرای احکام و تامین سلاح را دارا بود. (Haniyeh: 2014) شورا ارتباطات بین بغدادی و استانداران (ولاه)، ضد جاسوسی و سیستم پیک را مدیریت می‌کرد و نیز عملیات‌های اطلاعاتی از جمله بمب‌گذاران انتحاری، مأموران مخفی (انقماسیون)، ترورها، و آدم‌ربایی‌ها را هدایت کرد. (Neriah, 2014) در واقع این دستگاه اطلاعاتی، کلید موجودیت و گسترش سازمان بود. (www.reuters.com, 2015)

ماهیت و کارکرد

در بُعد امنیتی، داعش وابسته‌ترین سازمان به امنیت و اطلاعات محسوب می‌شود تا جایی که از آن به عنوان «وحشیگری اطلاعاتی» یاد می‌شود. (عبدالعال، ۲۰۱۸) داعش از نظر داشتن دستگاه اطلاعاتی قدرتمند با تخصص امنیتی و تجربه طولانی که از افسران اطلاعاتی و امنیتی که در صفوف آن فعالیت می‌کردند، از سایر گروه‌ها متمایز بود. (ابراهیم حسین، ۲۰۱۹)

1. Stasi state

۲. سرویس اطلاعاتی آلمان شرقی که یکی از مؤثرترین و سرکوبگرترین سازمان‌های اطلاعاتی و پلیس مخفی که تاکنون وجود داشته است توصیف شده است.

- عملیات اطلاعاتی داعش در زبان عربی به نام «امنی» شناخته می‌شود. (Speckhard & Yayla, 2017: 2) در اصطلاح داعش، امنی در اصل به معنای «اطلاعات» است. به طور کلی وظایف امنی شامل موارد زیر است، اما به آنها محدود نمی‌شود:
- جمع‌آوری اطلاعات برای نبردها در سوریه، عراق و جاهای دیگر؛
 - جمع‌آوری اطلاعات درباره همه کسانی که در داخل دولت اسلامی زندگی می‌کنند؛
 - جمع‌آوری اطلاعات دقیق در مورد مناطقی که داعش قصد فتح آنها را دارد؛
 - مطالعه افراد جدید استخدام شده در گروه، به ویژه آنهایی که بدون "ارجاع" ظاهر می‌شوند؛
 - جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات در مورد حملات احتمالی علیه داعش؛
 - گسترش تبلیغات و ترس داعش در داخل داعش و در سطح جهانی، فراتر از مرزهای خود؛
 - استخدام و استقرار جنگجویان خارجی برای جمع‌آوری اطلاعات و حملات در کشورهای خود؛
 - تغذیه مراکز رسانه‌ای داعش در مورد حملات خارجی تحت الهام و هدایت داعش؛
 - اعزام و استقرار جاسوسان و استخدام کنندگان در ترکیه و سایر کشورها، از جمله جاسوسی از پناهندگان سوری که از خشونت می‌گریزند؛
 - نظارت بر عملیات پشتیبانی لجستیکی داعش در داخل ترکیه برای اطمینان از عدم وجود نشت اطلاعات یا وقفه در عملیات؛
 - تعامل با عوامل دیگر گروه‌ها و دولت‌های تروریستی رقیب، از جمله عوامل اطلاعاتی نظام سوری؛
 - هر نوع «کار کثیف» حیاتی از جمله سازماندهی برده فروشی، نفت، گندم و آثار باستانی. تجارت، و همچنین ترور، آدم‌ربایی، و مبادله برای گروگان‌ها. (Speckhard & Yayla, 2016)

هم‌شکلی تقلیدی؛ از ماهیت اطلاعاتی به ایدئولوژیک

هسته نخستین سازمان داعش متشکل از بعضی‌های سابق و عمدتاً کارگزاران اطلاعاتی و امنیتی رژیم صدام بود. این موضوع دو ویژگی عمده را برای داعش رقم می‌زد: نخست آنکه هسته مرکزی کارگزاران داعش، تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌های بعضی سابق بودند که تجربه غنی از فعالیت‌های تخصصی در بدنه نهادهای رسمی را اندوخته بود و این به ساختاردهی و نظم تشکیلاتی

غنی و قدرتمند در داعش کمک می‌کرد و نیز بالتبع خصیصه نخست، به داعش ماهیتی بینابینی از ویژگی‌های یک جنبش و از سویی کارکردهای یک دولت داده بود. به عبارتی دیگر داعش پدیده‌ای است که در میان دو گانه‌های مهمی ظهور نمود. مهم‌ترین این دو گانه‌ها، از منظر کارگزاری دو گانه تکنوکرات- انقلابی و از منظر ساختاری دو گانه دولت - جنبش بود. با این توضیح می‌توان به فهم کامل‌تری نسبت به گذار از ماهیت اطلاعاتی به پوششی ایدئولوژیک نائل آمد، ضمن این که کماکان هسته اصلی به شدت خود را محافظت نموده و تلاش گسترده‌ای برای نفوذ به دیگر ساختارهای دولت- جنبش داعش نمود.

در واقع افسران اطلاعاتی سابق که به دنبال بازپس‌گیری قدرت و تثبیت مجدد سلطه سنی‌ها بودند، با تبدیل ابوبکر البغدادی به امیر و بعداً «خلیفه»، با زیرکی به سازمان چهره‌ای اسلامی بخشیدند که با دقت از رژیم سابق بعث عراق الگوبرداری شده بود؛ اما اکنون با لباس اسلامی پوشیده شده بود. (Speckhard & Yayla, 2016: 4) حاجی بکر در اواخر سال ۲۰۱۲ توسط این گروه به عنوان بخشی از یک خوشه کوچک پیشروی به سوریه فرستاده شد تا برای طرح‌ریزی گام‌هایی برای "دولت اسلامی" آینده، تا آنجا که ممکن است قلمرو سوریه را تصرف کند و از آنجا به عراق حمله کند. وی در شهر کوچک "تل رفعت" در شمال حلب مستقر شد و حمله به سوریه و ظهور «دولت اسلامی» را ترسیم کرد که بعداً توسط داعش به طور دقیق انجام شد. (Reuter, 2015)

زیرو ساخت اطلاعاتی

با وجود تلاش‌های سازمان برای معرفی خود به عنوان خلافتی فراملی، رهبری اصلی سازمان تحت تسلط عراقی‌ها بود. چنان‌که بیشتر از عناصر برجسته القاعده عراق، البغدادی از بیش از صد افسر نظامی و اطلاعاتی بعثی رژیم سابق صدام حسین در مناصب ارشد استفاده کرد. اکثر افسران اطلاعاتی بعث که به البغدادی خدمت می‌کردند، از استان الانبار در غرب عراق بوده، در حالی که بیشتر افسران ارتش بعث اهل موصل بودند. (Tribune Wire Reports: 2015)

بعثی‌های سابق عراق به‌طور نمایانی بنیاد سوداگری فکری خود را بر روی افسران نظامی و اطلاعاتی بعثی که دارای پست‌های متوسط و ارشد در دولت اسلامی هستند، تعریف کردند.

(Natali, 2015) بنابراین، پتانسیل عملیاتی مخفیانه دستگاه اطلاعاتی داعش در عراق دوره بعث، برای فعالیت در سراسر بکار گرفته شد. (Jones D. , 2012)

علی‌رغم این، داعش برخلاف پیشینیان تاریخی خود، بر ساختارهای اداری یک دولت پلیسی متشکل از انواع سازمان‌های شبه نظامی جهادی سلفی بنا شد. (KNIGHTS, 2014) تداوم دستگاه اطلاعاتی، زیرساخت نیروی پلیس داعش بود که در رقه، موصل و حلب فعال بود. از نظر اداری، پلیس بین مذهبی حسبه (متسوی) و پلیس عادی تقسیم شد. (trackingterrorism.org, 2016) ماموریت پلیس مذهبی حسبه ترویج فضیلت و جلوگیری از منکر بود، نقشی که هم با طالبان و هم با پلیس مذهبی عربستان قابل مقایسه است. (Caris & Reynolds, 2014)

هم شکلی هنجاری؛ گذار به ماهیت شبکه‌ای و خوشه‌ای

کنش شبکه‌ای را می‌توان یکی از گونه‌های هم شکلی هنجاری قلمداد کرد. آنچه در کنش شبکه‌ای تعیین‌کننده نهایی است میزان گره‌های شبکه‌ای و نیز ارتباط میان آنها با یکدیگر است. در واقع بازیگری که از گره‌های همسو و متجانس بیشتری در محیط عمل خود برخوردار باشد به کنش شبکه‌ای متمایل می‌شود. محیط کنشی جهاز الامن/ الاستخبارات داعش نیز تابع این منطق بوده است. داعش در ابتدا در مناطق کمتر تحت کنترل در استان‌های الحسکه و دیرالزور سوریه و استان‌های نینوا و الانبار عراق ظهور کرد. مقامات دمشق و بغداد مناطق مذکور را به ترتیب دارای ارزش استراتژیک کمی می‌دانستند، به طوری که زمانی در دوره‌هایی که جنگ‌های داخلی مستلزم استقرار مجدد نیروهای دولتی در جاهای دیگر بود، این مناطق به سرعت رها شدند. عقب نشینی‌های نظامی دولت، خلاء قدرتی را ایجاد کرد که در آن داعش توانست رشد کند. منطقه جغرافیایی داعش در حال ظهور، عمدتاً خالی از سکنه بود و نیروهای البغدادی کنترل چند شهر و شهرک منطقه و مسیرهای ارتباطی مرتبط با آنها را در دست داشتند. با این حال اثر سیاسی و امنیتی تسلط بر این مناطق در طول زمان بر کنش‌های این سازمان در ساحت‌های مختلف، ظهور نمود.

داعش که در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به‌ویژه در موصل، مورد حمله نظامی فزاینده‌ای قرار گرفت، با این وجود همچنان مدعی قلمرو وسیعی بود که در فضاهاى عراق و سوریه قرار دارد. به زبان کارکردگرایانه ساختاری، البغدادی فضاهاى مذکور را به مناطق، نواحی و شهرها تقسیم کرد.

هر منطقه یک اداره اطلاعات عمومی داشت که به یک امیر امنیتی برای آن منطقه گزارش می داد. استان‌ها توسط معاونان امیر اداره می شد و یک رئیس امنیتی برای هر ناحیه به معاون امیر آن گزارش می داد. (Reuter, 2015) سپس این نهادهای اداری توسط یک سیستم پیک به هم مرتبط می شدند که منعکس کننده هنجارهای سازمانی شبکه های پیک مورد استفاده القاعده و به ارث رسیده توسط القاعده در عراق است. سیستم پیک مورد استفاده اساساً یک مدل چهار طرفه با شبکه های پیک مجزا برای ارتباطات اداری، عملیاتی، رسانه ای (تبلیغات) و اجرایی بود. (Jones, 2014: 386)

شورای امنیت و اطلاعات داعش هسته مرکزی ساختار اطلاعاتی خود سازمان بود. اگرچه از نظر ساختاری، تا حدودی مبهم بود؛ لکن از نظر عملکردی مشابه آن چیزی بود که در سازمان های اطلاعاتی ملی یک دولت سنتی یافت می شد و با عملیات فریب فعال، ابهام را با پرسنل کلیدی که مرتباً نام و مکان خود را تغییر می دادند حفظ می کرد. این ابهام ساختاری به بخش اطلاعاتی داعش اجازه داد تا زیرساخت های سازمان را با هم ترکیب کند و برخی از رشته های اطلاعاتی را که معمولاً در آژانس های اطلاعاتی ملی سنتی یافت می شود، ترکیب کند. از این نظر، تلفیق نقش ها و ساختارهای داعش با یک محیط نظامی اجباری تطبیق می یافت. به بیان پاول و دیماجیو، می توان آن را کنش هم شکلی هنجاری معرفی کرد که در آن سازمان، مجبور به اتخاذ کنش هایی مبتنی بر الزامات هنجاری و حرفه ای می گردد. نکته مهم در ارتباط با منطق زیرساخت های اطلاعاتی داعش، ایجاد ساختارهای اطلاعاتی سازمان دهی شده رقابتی بود که در نهایت هدف آن نظارت بر یکدیگر و جمعیت از نظر شاخص های وفاداری / عدم وفاداری بود. (www.raqqa-sl.com, 2015)

شبکه ای سازی جهاز الامن / الاستخبارات

به طور کلی شبکه های اطلاعاتی داعش دارای دو کارکرد اساسی بودند: ۱- جمع آوری اطلاعات، شناسایی عوامل همگرا، شناسایی عوامل واگرا و حذف آنان ۲- کارکرد زمینه سازی برای هجوم و نیز به دست گیری کنترل منطقه بعد از هجوم.

در کارکرد نخست به عنوان مثال در شهرداری های هدف، عوامل داعش افراد سرشناس محلی را شناسایی کرده و با بهره برداری از فساد محلی برای تسلط بر شرکت های متخلف بومی قبل از حمله به مرکز شهری، زیرساخت های جامعه را از درون تضعیف می کردند. در واقع توانمندی های

جنایتکاران محلی برای شناسایی و ترور سیاستمداران و مقامات امنیتی استفاده می‌شد که سازمان در فرایند اقتناع، همراه سازی یا ترساندن آنها ناکام مانده بود. (Reuter, 2015)

در مورد کارکرد دوم نیز داعش به‌طور عملیاتی تک تیراندازها و بمب‌گذاران انتحاری را به‌عنوان دارایی‌های تاکتیکی برای دستیابی به اهداف محلی بسیار خاص مستقر می‌کرد. قبل از یک حمله بزرگ‌تر، این عملیات‌های نفوذ به‌طور سیستماتیک پیکربندی می‌شدند تا نیروهای خود را با امنیت نسبی در پایگاه‌های خود مستقر کنند. (Jane's Terrorism and Security Monitor, 2014)

این امر عوامل داعش را برای تسلط بر خیابان‌ها و سازماندهی پشتیبانی برای هدف بزرگ‌تر خود یعنی حمله و کنترل شهر آزاد می‌گذاشت. سپس هسته‌های خفته سازمان با عملکرد به‌عنوان واحد امن العسکری یا اطلاعات نظامی و به‌عنوان یک دارایی برای چنین عملیاتی آماده می‌شدند. به‌عنوان مثال، در طول محاصره رمادی در استان الانبار عراق، سلول‌های خفته اسلحه را به داخل شهر قاچاق کردند و عملیات داخلی از جمله بهره‌برداری از تونل‌های دوران صدام را در زیر شهر انجام دادند. (Georgy & Rasheed, 2014)

بر این اساس تعداد نیروهای هجومی خارجی که به شهرهایی مانند رمادی حمله می‌کردند تنها به صدها نفر می‌رسید؛ چراکه عوامل داعش از پیش زیرساخت‌های امنیتی جوامع را از طریق رشوه‌دهی، مشارکت و ترور فرو ریخته بودند. (www.newsweek.com, 2015)

گره‌های شبکه‌ای

دفتر تبلیغات

سیستم اطلاعاتی برای دستگاه اطلاعاتی داعش پایه و اساس بود. این سیستم، که توسط امن الداخلی اداره می‌شد، از نظر عملکردی مانند وزارت کشور بود و در هر شهری که تحت کنترل سازمان بود، ایجاد شده بود. (www.thedailybeast.com, 2015)

فرآیند ایجاد آن بدین‌گونه بود که داعش در مناطقی که قصد نفوذ به آن را داشت، دفاتر دعوت را تأسیس می‌کرد که در سراسر جهان اسلام استفاده می‌شد. (al-Tamimi, 2015, Zelin, 2016)

ساکنان محلی که در فعالیت‌های اجتماعی یا مذهبی در محل دفتر دعوت داعش شرکت می‌کردند، به فهرست نامزدهای احتمالی وارد می‌شدند که از آنها به‌عنوان خبرچین برای داعش استفاده می‌شد. (Caris & Reynolds, 2014)

این نامزدها تا آنجا که در برخوردهای انفرادی، متقاعد شوند که انگیزه‌های سطح پایین خود را تحت پوشش انتقال ارائه اطلاعات درستی که باعث تقویت دین می‌شود، تغییر دهند، استخدام نمی‌شدند؛ چراکه اطلاعات اخذ شده از مجاری خرید اطلاعات در مراحل آغازین، منجر به ورود انبوهی از اطلاعات نادرست گردیده بود. تعداد کمی انتخاب می‌شدند تا به‌عنوان خبرچین در روستای خود عمل کنند و اسامی همه سرشناسان محلی و اطلاعات مفید را در اختیار دفتر دعوت قرار دهند. این موضوع به سازمان اجازه می‌داد تا آن افراد سرشناس را که متقاعد به همکاری نبودن را، استثمار کند یا بکشد. (Macintyre, 2015)

شیوخ و عشایر

شبکه‌های اطلاعاتی مذکور یا با مرزهای جغرافیایی ولایات یا با وابستگی‌های قبیله‌ای مطابقت داشتند که در آن خطوط گزارش دهی از میان عشیره‌ها گذشته و به رهبری قبیله می‌رسید که حتی ممکن بود از ولایت و/یا مرزهای ملی نیز عبور کند. در این زمینه، شبکه‌های قبیله‌ای عراق نسبت به قبایل سوری با هسته مرکزی داعش متصل‌تر بودند؛ زیرا قبایل سنی عراق بیشتر از هم‌تایان سوری خود قابل شناسایی بودند. (Dukhan, 2014)

چهره‌های محلی

دستگاه اطلاعاتی داعش با تدارک گسترده میدان نبرد، از گسترش خلافت حمایت کرد. در فضاهای مرکزی سابقاً تحت اشغال داعش، کماکان شبکه‌های خویشاوندی معمولاً اعمال اقتدار محلی را تعریف می‌کنند و در نتیجه ارزش سیستم جمع‌آوری اطلاعات داعش را افزایش می‌دادند. در آرشیو اسناد به دست آمده از داعش در حلب، دستورالعمل‌هایی وجود داشت که طی آن کادرهای داعش باید پیش از تسلط نظامی بر روستاها، به‌طور استراتژیک با خانواده‌های با نفوذ ازدواج کنند، و بدین ترتیب قبل از اینکه داعش قدرت کامل را به دست بگیرد، وفاداری و اطاعت آنها را به دست می‌آوردند. (Reuter, 2015)

گروه‌های مؤتلف و متحد

از آنجایی که دولت اسلامی چندین سازمان سلفی جهادی را جذب کرده بود، برخی از خطوط گزارش دهی برای سلول‌های مخبر، از طریق گروه‌های شبه‌نظامی که خبرچین‌ها در ابتدا از طریق آن‌ها استخدام شده‌اند، اداره می‌شد. در شرایط خاص، داعش برای مقاصد ضد جاسوسی از

شبکه‌های اطلاعاتی توسعه یافته قبلی خود از القاعده در عراق در مکان‌هایی مانند فلوجه و رمادی استفاده می‌کرد. (Coles & Parker, 2015)

بعثی‌های سابق

شبکه‌های اطلاعاتی مزبور اغلب توسط افسران اطلاعاتی دوران بعث اداره می‌شدند. خبرچین‌ها آموزش رسمی کمی، فراتر از دستورالعمل‌های مربوط به آموزش حرفه‌ای ارائه شده توسط متصدیان آن‌ها داشتند. این پیشه حرفه‌ای منعکس‌کننده هنجارهای شناخته شده شبکه‌های مخبران در عراق بعثی دوران صدام بود، در حالی که اکنون از پوسته لفاظی سلفی به جای بعثی برای مدیریت مخبران استفاده می‌کرد. در نتیجه، خلافت از طریق ترکیبی از ترور و رشوه، مخبران را مدیریت می‌کرد. این همان آموزه‌ای بود که در زمان حکومت صدام بر عراق «الترهیب و الترغیب» (هشدار و تشویق) نامیده می‌شد. (https://kyleorton1991.wordpress.com, 2015)

اطلاعات ارائه شده توسط مخبران با سایر اطلاعات در یک فعالیت ضد جاسوسی که فعالان مدرن آن را به عنوان یک تلاش ادغامی توصیف می‌کنند، جمع‌آوری می‌شد و پایگاه داده‌ای از مخالفان احتمالی ایجاد می‌کرد که می‌توانست برای انجام عملیات حذف علامت‌گذاری شوند. اطلاعات جمع‌آوری شده تا عمق قابل توجهی گسترش می‌یافت، در نتیجه به ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی حاوی نمودارها و تاریخچه‌های بیوگرافی اساسی کمک کرد. (Nance, 2015)

سلول‌های خفته

گرچه در ظاهر عملکرد این سلول‌ها عمدتاً عملیاتی است؛ لکن شناسایی، استقرار و شبکه‌سازی آنها نیازمند فعالیت‌های اطلاعاتی پیشین و نیز فعالیت‌های پسین اطلاعاتی برای حفظ واحدهای مورد اشاره می‌باشد. سلول‌های خفته پس از استقرار، وظیفه شناسایی اهداف مورد هجوم اعم از افراد، اماکن و ... دارا می‌باشند. این وظایف ماهیتی اطلاعاتی دارد، به ویژه آن‌که طراحی بخشی از عملیات‌های هجوم نیز برعهده این سلول‌ها می‌باشد. جمله این فعالیت‌ها و وظایف، نیازمند هدایت و راهبردی از سوی هسته اصلی اطلاعاتی سازمان بوده و نیز به حضور نیروهای زبده اطلاعاتی در میان سلول‌های خفته برای هدایت، سازماندهی و هماهنگی با هسته مرکزی، نیاز است.

در چارچوب باقی ماندن، سلول‌های خفته که قبل از غلبه بر یک منطقه، توسط داعش فعال شده بودند، واجد یک عملکرد ثانویه در حمایت از دستگاه اطلاعاتی البغدادی برای حفظ اشغال شدند. از سلول‌های خفته انتظار می‌رفت که افراد و خانواده‌هایی را که از طریق حرف یا عمل از

دولت حمایت می‌کنند، ثبت کنند. چنین اطلاعاتی با فراهم کردن مبنایی برای فهرست‌های اعدامی که توسط سازمان استفاده می‌شد، کارکرد ضد جاسوسی را پیش می‌برد. (www.washingtonpost.com, 2015)

عملیات خارجی؛ ساخت خوشه‌ای

کنش خوشه‌ای در مقابل کنش شبکه‌ای، در شرائطی ظهور می‌یابد که تعداد گره‌های همسو و متجانس کمتری یافت شده و نیز ارتباطات ضعیف و ناپایداری را برقرار می‌کند. در این نوع از کنش سازمانی-اجتماعی، بازیگر در محیطی ناپایدار از نظر گره‌های متجانس و نیز از نظر کنش رقیب/دشمن قرار دارد. تلاش بخش امن خارجی داعش نیز در چنین محیطی به دنبال گره‌های همسو و توسعه فعالیت‌های خارجیش، به شکل‌گیری کنش خوشه‌ای منجر گردید. داعش با تلقی خود به عنوان خلافتی جهانی، اقدام‌هایی را برای توسعه همزمان یک دستگاه عملیات خارجی قوی انجام داد. عملیات خارجی یا امن خارجی، (Weiss, 2015) به رهبری العدنانی تا زمان مرگش در پاییز ۲۰۱۶، قرار بود بین عملیات اطلاعاتی و انسانی علیه کشورهای همجوار سوریه و عراق و عملیات در خارج تقسیم شود. در آن زمان گفته می‌شد که حدود چهل هسته خفته در لبنان فعالیت می‌کردند. (janes.com, 2014) در حالی که زیرساخت‌های عملیاتی و پشتیبانی قوی در آنکارا، استانبول و قونیه، ترکیه تعبیه شده بود. (Zaman, 2015)

فرماندهی عملیات اروپایی، تحت نظارت ابوسلیمان الفرسانی (عبدالله هیمیچ)، (weiss, 2016) در بروکسل، بلژیک، که مرکز منطقه‌ای این گروه در اروپا بود، قرار داشت. (Ryan, mufson, & faiola, 2015) حملات سال ۲۰۱۵ در فرانسه و سایرین در بلژیک توانایی‌های دستگاه عملیات خارجی برای عملیات فراتر از خاورمیانه را نشان داد.

مهاجران جنگ زده

ماهیت حضور و ارتباط داعش با مناطق خارج از قلمرو تحت سیطره خود به ویژه در کشورهای غیر از عراق و سوریه، تابع قواعدی غیر از روابط با گره‌های شبکه‌ای در داخل قلمرو تحت سیطره و مناطق همجوار آن است؛ لذا روابط با این گره‌ها، ساخت خوشه‌ای را متفاوت از ساخت شبکه‌ای پیشین رقم زد.

حضور انبوه و گسترده آوارگان جنگی سوریه در اروپا، فرصت مغتنمی برای عوامل داعش بود تا با پناهندگان واقعی در هم آمیزند. سرعت بالای عملیات برای هدف قرار دادن رهبران

داعش در مرزهای سوریه و عراق، منجر به خروج رهبران ارشد به منطقه‌ای با امنیت نسبی در سرت لیبی شد. منطقه‌ای که در ابتدا زیر نظر ابونبیل الانباری (وسام نجم عبدالزید الزبیدی) بود. (Al-Tamimi, 2016) جایی که داعش ادعا می‌کرد هزاران جنگجو دارد. (Freeman, 2016)

سازمان‌های متحد/ در بیعت

قلمروهای خارجی هسته‌ای داعش تقریباً ۳۲ سازمان گزارش شده که ظاهراً مدیران آنها با بغدادی بیعت کرده بودند. اما این لزوماً به معنای یک رابطه ارتباطی توسعه یافته بین دستگاه اطلاعاتی داعش و دستگاه‌های امنیتی سازمان‌های مختلف وابسته نبود. روابط مزبور موقتی بود که طی آن شخصیت‌های داعش می‌توانستند برای اهداف عملیاتی به مناطق تحت کنترل گروه‌های وابسته یا مؤتلف بروند، اگرچه همکاری و هماهنگی اطلاعاتی در سطح کلان و آشکار، کم‌رنگ بود. در واقع بیعت‌های مذکور وابسته به پولی بود که داعش در اختیار گروه‌های وابسته قرار می‌داد که به موازات تغییر شرایط در داعش، قابل تعویض هستند. (McCants & Watts, 2016)

به این ترتیب در رویکردی نهادگرایانه، رویه‌های متزلزل و ناپایدار میان سازمان داعش و سایر سازمان‌های بیعت کننده و یا حامی، خطر بزرگی را ایجاد می‌کرد که داعش و ارگان‌های اطلاعاتی آن را در نهایت تحت فشار نظامی دولت‌های متخاصم، گروه‌بندی کرده و به اقطاع شخصی وابسته در زیر چتر داعش تبدیل می‌کرد. این وضعیت نیز نشانی از فشارهای نهادی در محیط نهادی بسیار متلاطمی است که پیوندهای نهادی سازمان با دیگر سازمان‌ها را مبتنی بر روابط گسستی و ناپایدار ساخته و کنش سازمان را به سوی کنش هم‌شکلی هنجاری هدایت می‌کند.

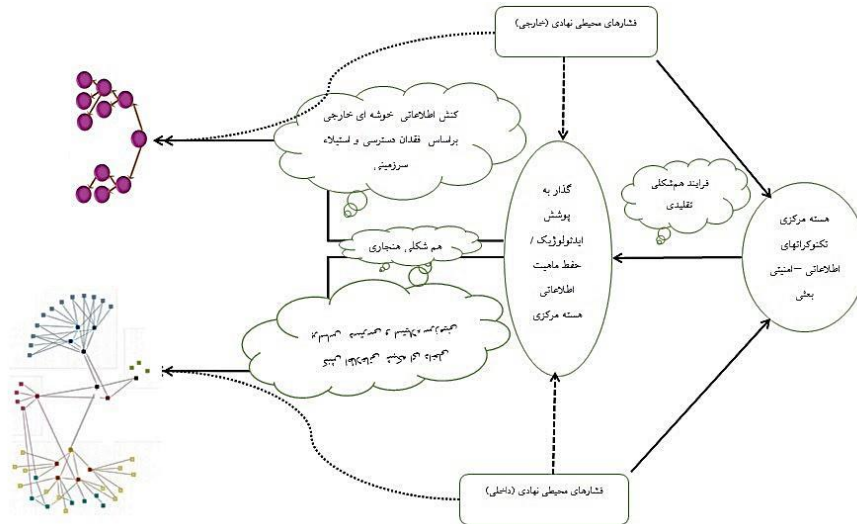
سلول‌های خفته

گزارش‌های اطلاعاتی داخلی داعش نشان می‌دهد که امنی صدها عامل خود را در کشورهای اتحادیه اروپا از جمله صدها نفر را تنها در ترکیه، مستقر کرده بود. (Chulov, 2016) اساس این سلول‌ها، شهروندان کشورهای اروپایی می‌باشند که از کمترین حساسیت‌های سرویس‌های اطلاعاتی اروپایی و بومی برخوردارند. در واقع خطر شناسایی عامل و منبع‌گیری از میان مهاجران جنگ‌زده از سوی سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای هدف، هسته اصلی جهاز الامن/الاستخبارات را به سوی بهره‌گیری از شهروندان مستقر در کشورهای هدف، متمایل ساخت که علاوه بر نقش اطلاعاتی در جمع‌آوری داده‌ها، در صورت لزوم وظایف عملیاتی را نیز برعهده داشتند. عوامل امنی بر اساس ملیت انتخاب می‌شدند و بر اساس زبان در واحدهای کوچک و مجزا گروه‌بندی

می‌شدند، به طوری که اعضای آن گاهی اوقات فقط در آستانه خروج از کشور یکدیگر را ملاقات می‌کردند. (Callimachi, 2016)

کسانی که گذرنامه غربی داشتند و توسط داعش برای حمله به سرزمین هایشان استخدام می‌شدند، مدت زیادی در سوریه و عراق نمی‌ماندند، به ویژه از اواخر سال ۲۰۱۴ که اطلاعات غربی فعال تر شدند. برای جلوگیری از شناسایی، امنی به خارجی‌هایی که به داعش می‌پیوستند دستور می‌داد تا بسته تعطیلات خود را همراه با پرواز برگشت در جنوب ترکیه رزرو کنند؛ اما به جای تعطیلات، نیروهای جدید برای مدت کوتاهی به صورت غیرقانونی به سوریه منتقل می‌شدند و طی آن به سرعت آموزش‌های لازم در مورد مواد منفجره را دریافت می‌کنند و سپس به کشورهای خود جایی که توسط اعضای امنی مدیریت می‌شدند. بازگردانده می‌شدند. (Callimachi, 2016)

داعش برخی از حملات خود را به رویکرد «تاکتیک مأموریتی»^۱ ارتش آلمان در قرن نوزدهم تشبیه کرد که در آن فرماندهان به زیردستان خود یک هدف و چارچوب زمانی برای تکمیل حمله با آزادی کامل در مورد زمان و نحوه دقیق اجرای آن می‌دادند. امنی از چنین تاکتیک‌های آلمانی پیروی می‌کرد و به آنها «استقلال تاکتیکی کامل» بدون «مدیریت خرد» می‌داد. (Callimachi, 2016)



شکل ۱. تحول کنش اطلاعاتی سازمان تروریستی داعش

1. Auftragstaktik

نتیجه گیری

مسئله محوری برای سازمان‌های تروریستی همواره حفظ بقا در وهله نخست و توسعه فعالیت‌ها در گام بعدی می‌باشد. تحولات محیطی و نیز اقتضائات داخلی سازمان‌های مزبور در تعیین خط مشی و نوع عمل آنها تعیین کننده است. فشارهای نهادی مانند فقدان عناصر اساسی مانند دارایی‌های اطلاعاتی در سطح ملی، مدارس اطلاعاتی، تأسیسات امن دائمی، فرهنگ سیاسی مشترک و روابط ارتباطی با سرویس‌های خواهران خارجی خود و فرصت‌های آموزشی متقابلی که آنها فراهم می‌کنند، پتانسیل بخش اطلاعات سازمان تروریستی را مهار و محدود می‌کند. در مورد داعش این امر به مرور زمان آسیب‌های فزاینده‌ای به دستگاه اطلاعاتی آن وارد نمود؛ زیرا آموزش‌های اطلاعاتی افسران اطلاعاتی عراقی بعضی همچنان رو به کاهش گذاشت. در نتیجه، ساختار اطلاعاتی داعش به طور کلی می‌توانست کنترل محلی را حفظ کند؛ اما نمی‌توانست دارایی‌های اطلاعاتی بسیاری از دشمنان دولتی خود را به طور جدی به چالش بکشد. در نتیجه برای مهار آسیب‌ها و تفوق بر محدودیت‌ها، هسته اطلاعاتی داعش در ابتدا پوششی ایدئولوژیک را به خود گرفت و در ادامه مبتنی بر فشارهای محیطی دو گونه رفتار شبکه‌ای و خوشه‌ای را اتخاذ نمود. این موضوع گویای اثرات فشارهای نهادی به عنوان شاخص‌های محیط نهادی موثر در ایجاد، حفظ و گسترش سازمان و فعالیت‌های اطلاعاتی آن است. وضعیت کنونی کنش اطلاعاتی سازمان داعش مبتنی بر دو متغیر در دسترس بودن و نیز استیلاء سرزمینی یا داشتن قلمرو تعریف می‌شود. بر این اساس به دلیل آن که در حال حاضر فاقد استیلاء سرزمینی و دسترسی به گره‌های شبکه‌ای قابل ملاحظه‌ای می‌باشد، به سوی بهره برداری از سلول‌های خفته هم در فعالیت اطلاعاتی و هم عملیات‌های گاه به گاه روی آورده است که با کنش هم‌شکلی تقلیدی قابل تحلیل است. با این حال شخصیت دوگانه شبه دولتی/جنبشی داعش در قدرت تطبیق با شرایط متحول محیط نهادی از سویی و فشارهای نهادی از سویی دیگر، موثر و آشکار بوده و خیزش‌های آتی سازمان را تسهیل خواهد کرد. بدیهی است پژوهش‌های آتی می‌تواند حول تبارشناسی، آینده پژوهی و نیز ابعاد اجتماعی این کنش‌ها هم در مورد سازمان داعش و نیز در مورد سایر سازمان‌های تروریستی شکل گیرد.

فهرست منابع

فارسی

زارعی، آ. (۱۳۹۲). نهادگرایی جدید جامعه شناختی؛ رهیافتی برای تحلیل ثبات و تغییر. روش شناسی علوم انسانی، ۱۹(۷۷)، ۱۶۵-۱۹۳.

قلی‌پور، آ. (۱۳۸۴). نهادها و سازمانها (اکولوژی نهادی سازمانها). تهران: سمت.

مشبکی، ا.، خدای، س.، & تقوی شوازی، ا. (۱۳۸۹). نظریه‌ی نهادی نوین تلفیقی و نقش آن بر ایجاد مزیت رقابتی سال دهم، شماره ۱ (۱ پیاپی ۳۸) ۸۹. پژوهشنامه‌ی مدیریت اجرایی، ۲۸(۱)، ۱۴۹-۱۷۴. بازیابی از <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=109981>

عربی

اسلام ابراهیم حسین. (۱۶ یولیه، ۲۰۱۹). داعش نموذجًا .. الأنشطة الاستخباراتية للتنظيمات الإرهابية. تم الاسترداد من www.acrseg.org: <http://www.acrseg.org/41272>

علی عبدالعال. (۱ نوفمبر، ۲۰۱۸). استخبارات التنظيمات الإرهابية.. «داعش» و«القاعدة» نموذجًا. تم الاسترداد من <https://www.almarjie-paris.com/>: <https://www.almarjie-paris.com/4826>

انگلیسی

al-Tamimi, A. (2015). The Evolution in Islamic State Administration: The Documentary Evidence. *Perspectives on Terrorism*, 9(4), 117-129. Retrieved from <https://www.jstor.org/stable/26297420>

Al-Tamimi, A. J. (2016, jan 7). Eulogy to Abu Nabil al-Anbari: Islamic State leader in Libya. Retrieved from aymennjawad: <http://www.aymennjawad.org/2016/01/eulogy-to-abu-nabil-alanbari->

Burke, J., Beaumont, P., & al-Ubeidy, M. (2006, Jun 11). How Jordanians hunted down their hated son. Retrieved from <https://www.theguardian.com>: <https://www.theguardian.com/world/2006/jun/11/alqaida.iraq1>

Callimachi, R. (2016, Aug 3). How a Secretive Branch of ISIS Built a Global Network of Killers. Retrieved from www.nytimes.com: <https://www.nytimes.com/2016/08/04/world/middleeast/isis-german-recruit-interview.html>

Caris, C., & Reynolds, S. (2014, July). ISIS Governance in Syria. Retrieved from ciaotest.cc.columbia.edu: https://ciaotest.cc.columbia.edu/wps/isw/0032512/f_0032512_26410.pdf

Cepik, M., & Möller, G. (2017). National Intelligence Systems as Networks: Power Distribution and Organizational Risk in Brazil, Russia, India, China, and South Africa. *Brazilian Political Science Review*, 11(1), 1-26. doi:10.1590/1981-3821201700010001

Chulov, M. (2016, Sep 7). Losing ground, fighters and morale – is it all over for Isis? Retrieved from www.theguardian.com: <https://www.theguardian.com/world/2016/sep/07/losing-ground-fighter-morale-is-it-all-over-for-isis-syria-turkey>

- Coles , I., & Parker, N. (2015, Dec 11). How Saddam’s men help Islamic State rule. Retrieved from <https://www.reuters.com/>: <https://www.reuters.com/investigates/special-report/mideast-crisis-iraq-islamicstate/>
- Daft, R. (2001). *Essentials of Organization Theory & Design*. South Western Educational Publishing.
- DiMaggio, P. (1986). Structural Analysis of Organizational Fields: A Blockmodel Approach. In B. Staw , & Cummings, *Research in Organizational Behavior* (Vol. 8, pp. 335-370). Greenwich: JAL Press.
- DiMaggio, P., & Powell , W. (1983). The Iron Cage Revisited: Institutional Isomorphism and Collective Rationality in Organizational Fields. *American Sociological Review*, 48(2), 147-160.
- DiMaggio, P., & Powell, W. (1991). Introduction. In W. Powell, & P. DiMaggio, *The New Institutionalism in Organizational Analysis* (pp. 1-40). Chicago: The University of Chicago Press.
- Dukhan, H. (2014). Tribes and Tribalism in the Syrian Uprising. *Syria Studies Journal*, 6(2). Retrieved from <https://ojs.st-andrews.ac.uk/index.php/syria/article/view/897/746>
- Freeman, C. (2016, January 20). Islamic State leader Baghdadi sends Iraqi commander to tighten grip on new Libya stronghold. Retrieved from [/www.telegraph.co.uk:https://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/africaandindianocean/libya/12109806/Islamic-State-leader-Baghdadi-sends-Iraqi-commander-to-tighten-grip-on-new-Libya-stronghold.html](http://www.telegraph.co.uk:https://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/africaandindianocean/libya/12109806/Islamic-State-leader-Baghdadi-sends-Iraqi-commander-to-tighten-grip-on-new-Libya-stronghold.html)
- Friedland, R., & Alford , R. (1991). Brining Society Back In: Symbols ,Practices and Institutional Contradictions. In W. Powell , & P. DiMaggio , *The New Institutionalism in Organizational Analysis* (pp. 232-263). Chicago: The University of Chicago Press.
- Georgy, M., & Rasheed, A. (2014, AUGUST 4). Tunneling through triangle of death, Islamic State aims at Baghdad from south. Retrieved from www.reuters.com:https://www.reuters.com/article/us-iraq-security-south-insight-idUSKBN0G41CO20140804
- Goodrick, E., & Salancik, G. (1996, March). Organizational Discretion in Responding to Institutional Practices Vol. 41 .March:. *Administrative Science Quarterly*, 41, 1-28.
- Goodstein, J. D. (1994). Institutional Pressures and Strategic Responsiveness: Employer. *The Academy of Management Journal*, 37(2), 350-382. doi:10.2307/256833
- Haniyeh, H. (2014, December 3). Daesh’s Organisational Structure. Retrieved from <https://studies.aljazeera.net:https://studies.aljazeera.net/en/dossiers/decipheringdaeshoriginsimpactandfuture/2014/12/201412395930929444.html>
- Islamic State ascendant – Iraq struggles to tackle the proto-caliphate. (2014). *Jane’s Terrorism and Security Monitor*, 14(8). Retrieved from <http://search.proquest.com/docview/1553495861?accountid=12655>
- janes.com. (2014). Islamic State Reportedly has 40 Cells in Lebanon. *Jane’s Terrorism Watch*.
- Jeyong, J., & Lee , J. (2015). Analytic Models to Assess Terrorist Organizations and Their Determinants. *Journal of Studies in Social Sciences*, 12(2), 235-250. Retrieved from <https://www.infinitypress.info/index.php/jsss/article/view/1156>

- Jones, D. (2012). Understanding the Form, Function, and Logic of Clandestine Insurgent and Terrorist Networks: The First Step in Effective Counternetwork Operations. Joint Special Operations University. Retrieved from https://jsou.libguides.com/ld.php?content_id=51792142
- Jones, S. (2014). Al-Qaeda Terrorism in Afghanistan. In B. Hoffman , F. Reinares , & eds, Evolution of the Global Terrorist Threat: From 9/11 to Osama bin Laden's Death (p. 386). Columbia Studies in Terrorism and Irregular Warfare.
- KNIGHTS, M. (2014, AUGUST). ISIL's Political-Military Power in Iraq. Retrieved from <https://ctc.westpoint.edu/content/uploads/2014/09/CTCSentinel-Vol7Iss81.pdf>
- Lounsbury, M. (2008, May). Institutional rationality and practice variation: New directions in the institutional analysis of practice. *Accounting, Organizations and Society*, 33(4-5), 349-361. doi:10.1016/j.aos.2007.04.001
- Macintyre, B. (2015, April 24). Isis owes more to the Kremlin than the Koran. Retrieved from <https://www.thetimes.co.uk/>: <https://www.thetimes.co.uk/article/isis-owes-more-to-the-kremlin-than-the-koran-pqm08lhpdcl>
- McCants , W., & Watts, C. (2016, January 28). Experts weigh in (part 2): What is the future of al-Qaida and the Islamic State? Retrieved from www.brookings.edu: <https://www.brookings.edu/blog/markaz/2016/01/28/experts-weigh-in-part-2-what-is-the-future-of-al-qaida-and-the-islamic-state/>
- Meyer , J., & Rowan, B. (1977). Institutionalized Organizations: Formal Structure as Myth and Ceremony. *The American Journal of Sociology*, 83(2), 340- 363.
- Mintzberg, H., Ahlstrand , B., & Lampe, J. (1998). *Strategy Safari: A Guided Tour through The Wilds Of Strategic Management*. New York: Free Press.
- Mobley, B. W. (2008). *TERRORIST GROUP COUNTERINTELLIGENCE*. Washington: M.A. Washington, DC. Retrieved from <https://repository.library.georgetown.edu/bitstream/handle/10822/553096/mobleyBlake.pdf>
- Nance, M. (2015, June 3). ISIS FORCES THAT NOW CONTROL RAMADI ARE EX-BAAATHIST SADDAM LOYALISTS. Retrieved from <https://theintercept.com/>: <https://theintercept.com/2015/06/03/isis-forces-exbaathist-saddam-loyalists/>
- Natali, D. (2015, April 24). The Islamic State's Baathist roots. Retrieved from www.al-monitor.com: <https://www.al-monitor.com/originals/2015/04/baathists-behind-the-islamic-state.html>
- Neriah, J. (2014, September 8). The Structure of the Islamic State (ISIS). Retrieved from Jerusalem Center For Public Affairs: <https://jcpa.org/structure-of-the-islamic-state/>
- Oleson , P., & Cothron , T. (2016). Leading and Managing Intelligence Organizations. *American Intelligence Journal*, 33(1), 6-16. Retrieved from <https://www.jstor.org/stable/26202161>
- Orton, K. (2016, JUL 28). Profiles of Islamic State Leaders. Retrieved from <https://henryjacksonsociety.org/>: <https://henryjacksonsociety.org/wp-content/uploads/2016/07/IS-leaders-report.pdf>
- Powell, W. (2007). The New Institutionalism. In *The International Encyclopedia of Organization Studies* (pp. 1-11). Sage Publishers.
- Profile of the Islamic State's Leader in Syria: Abu Ali al-Anbari," *The Syrian*. (2015, September 25). Retrieved from <https://kyleorton1991.wordpress.com>:

- <https://kyleorton1991.wordpress.com/2015/09/25/profile-of-the-islamic-states-leader-in-syria-abu-ali-al-anbari>
- Reuter, C. (2015, 04 18). Secret Files Reveal the Structure of Islamic State. Retrieved from de/international: <https://www.spiegel.de/international/world/islamic-state-files-show-structure-of-islamist-terror-group-a-1029274.html>
- Riedel, B. (2011). Terrorist Intelligence Capabilities: Lessons from the Battlefield. *Georgetown Journal of International Affairs*, 12(1), 26-33. Retrieved from <https://www.jstor.org/stable/43133861>
- ryan, m., mufson, s., & faiola, a. (2015, November 16). Raids spread across France and Belgium amid manhunt for suspects. Retrieved from [washingtonpost: https://www.washingtonpost.com/world/europe/french-police-raid-sites-across-country-official-warns-of-possibility-of-more-attacks-across-paris/2015/11/16/4a5564bc-8bd1-11e5-934c-a369c80822c2_story.html](https://www.washingtonpost.com/world/europe/french-police-raid-sites-across-country-official-warns-of-possibility-of-more-attacks-across-paris/2015/11/16/4a5564bc-8bd1-11e5-934c-a369c80822c2_story.html)
- Scott, W. (1991). Unpacking Institutional Arguments. In W. Powell, & P. DiMaggio, *The New Institutionalism in Organizational Analysis* (pp. 164-182). Chicago: The University of Chicago Press.
- Scott, W. (2001). *Institutions and Organizations*. CA: Sage Publications.
- Selznick, p. (1966). *TVA and Grass Roots: A Study in the Sociology of Formal Organization*. New York: Harper Torchbooks.
- Speckhard, A., & Yayla, A. (2016). *ISIS defectors: Inside stories of the terrorist caliphate*. McLean, VA: Advances Press, LLC.
- Speckhard, A., & Yayla, A. (2017). The ISIS Emni: Origins and Inner Workings of ISIS's Intelligence Apparatus. *Perspectives on Terrorism*, 11(1), 2-16. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/26297733>
- Taylor, P. (2015, Apr 22). 'It's God's gift.' Islamic State fills coffers with Iraqi government cash. Retrieved from <https://www.theguardian.com/world/2015/apr/22/isis-fills-coffers-with-iraqi-government-cash>
- trackingterrorism.org. (2016, January 2). "Al-Khansa Brigade," TRAC Terrorism Research and Analysis Consortium undated. Retrieved from <https://trackingterrorism.org/group/al-khansaa-brigade/>
- Tribune Wire Reports. (2015). Saddam Hussein's former officers find home leading Islamic State...
- Wege, C. A. (2018). The Changing Islamic State Intelligence Apparatus. *International Journal of Intelligence and CounterIntelligence*, 31(2), 271-288. doi:10.1080/08850607.2018.1418552
- Weiss, M. (2015, Nov 16). How ISIS Picks Its Suicide Bombers. Retrieved from [www.thedailybeast.com: https://www.thedailybeast.com/how-isis-picks-its-suicide-bombers](http://www.thedailybeast.com)
- weiss, m. (2016, October 24). From French Soldier to ISIS Spymaster. Retrieved from [The Daily Beast: https://www.thedailybeast.com/from-french-soldier-to-isis-spymaster](https://www.thedailybeast.com/from-french-soldier-to-isis-spymaster)
- www.newsweek.com. (2015, 5 19). Isis sleeper cells and double agents helped capture of Ramadi. Retrieved from [https://www.newsweek.com: https://www.newsweek.com/isis-sleeper-cells-double-agents-helped-capture-ramadi-327493](https://www.newsweek.com)
- www.raqqa-sl.com. (2015, February 12). ISIS Barbarians Face Their Own Internal Reign of Terror. Retrieved from [www.raqqa-sl.com: https://www.raqqa-sl.com/en/?p=544](http://www.raqqa-sl.com)

- www.reuters.com. (2015, December 11). How Saddam's Men Help Islamic State Rule. Retrieved from reuters: <https://www.reuters.com/investigates/special-report/mideast-crisis-iraq-islamicstate/>
- www.thedailybeast.com. (2015, November 16). How ISIS Picks Its Suicide Bombers. Retrieved from The Daily Beast: <https://www.thedailybeast.com/how-isis-picks-its-suicide-bombers>
- www.washingtonpost.com. (2015, May 16). Officials: Islamic State Tightens Grip on Capital of Iraq's Anbar Province. Retrieved from www.washingtonpost.com: https://www.washingtonpost.com/world/officials-islamic-state-tightens-grip-on-key-iraqi-city-a-day-after-assault/2015/05/16/6f944498-fb33-11e4-a47c-e56f4db884ed_story.html
- Zaman, A. (2015, June 17). Captured fighter details Islamic State's Turkey connection. Retrieved from al-monitor: <https://www.al-monitor.com/originals/2015/06/turkey-syria-iraq-isis-new-turkish-unit-lures-kurds.html>
- Zelin, A. (2016, January). The Islamic State's Territorial Methodology. Retrieved from www.washingtoninstitute.org: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/islamic-states-territorial-methodology>
- Zucker, L. (1991). The Role of Institutionalization in Cultural Persistence. In W. Powell , & P. DiMaggio , The New Institutionalism in Organizational Analysis (pp. 83-106). Chicago: The University of Chicago Press.

